

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجنیا - ۱۶ اگست ۲۰۱۴

و ... اما من گریستم

عاقبت چشمانم از نگرستن به دورمرز بازگشتت، خسته و کم نور شد و باز ملال تلخ
انتظار و نابسامانی روزگار روزنه های امید را به رویم بست.

از گذر گردآلود جاده های ماتمبار برگشتم و در زاویه تنهای اتاق، بیقراریهای قلبم را
اندیشه درمان مینمودم، در حالی که هنوز روح سرگشته ام کنار جاده میعادگاه، سایه
گامهایت را میجست.

فکر فردها غنچه لبخند را روی لبانم میشگفت و نوید دیدارت فانوس فروزنده ای در
ظلمتکده قلبم میشد ولی؛

باز فردای انتظار در دیده ام گور آرزوها را بنیان میگذاشت.

قصه هائی را که روزها در حاشیه های پندارم برایت مایه بسته بود، طوفان فراموشی با
خود میبرد. برای انتظار عبث چشمان آسمان میخندید، روزگار میخندید، روزهای رفته از
برم و سرانجام بخت سرگشته ام میخندید

و اما من گریستم.

اما من کنار گور آرزوهای خاک شده ام گریستم، در مرگ روزهای رفته ام، برای
لحظاتی که در ازدحام پرجوش جاده ها تنها ترا میجستم و تنها نقش ماندگار گامهای ترا
میدیدم ... گریستم ... اما من گریستم!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده - پنجشنبه ۱۷ جدی ۱۳۶۰)